سابیرها

آهنگری، عبدالقادیر

سابیرها قومی بودند که از قدیم در سرزمین سیبریه‏ی حالیه مسکن‏ داشتند.بعلت استقرار آنها،آن سرزمین سیبریه نام گرفت.نخستین کسی‏ که درباره‏ی ایشان بحث کرده پریس کوس نام دارد و او مینویسد که بین‏ سالهای 461 و 465 میلادی،اقوام ان‏آغور و ساراغور و اغور سابیرها را به این حدود رانده‏اند.بعد از آن واقعه سابیرها بحوالی قفقازیه آمده در اطراف‏ کوبان مستقر شدند.

در سال 415 م سابیرها پس از گذشتن از دربند کاسپی،حملاتی باطراف‏ ارمنستان،کاپادوکیه،گالانیا و پونتوس کرده‏اند.در سال 528 م، بالاک پادشاه سابیرها درگذشت و همسر او بوآرک حکومت را بدست گرفته با صد هزار تن از سپاهیان خود طرفداری از رومیان را متعهد شده بود.در این‏ هنگام قباد شاهنشاه ایران برای جنگ با رومیان،دو پادشاه هون را که‏ استیراکس و گلویس نامداشتند و در آنطرف سرزمین سابیرها مسکن داشتند بکمک طلبید.ایندو نیز با افراد خود برای کمک به قباد،میخواستند،از سرزمین سابیرها عبور کنند ولی ملکه بوآرک به جلوگیری آنها شتافت و پس‏ از جنگ سختی استیراکس را اسیر نموده با دستهای بسته به استانبول فرستاد. گلونس نیز در این جنگ بقتل رسیده است.

ملکه بوآرک در طول پادشاهی خود با ژوستینیانوس امپراتور روم با صلح‏ زندگی کرده است.

در سال 550 م،گوباز پادشاه لازیکا قبل از حمله‏ی ایرانیان،برای این‏که سابیرها را متحد خود کند،از طرف امپراتور بیزانس وعده داد که‏ 300 سکه طلا بآنان بپردازد.سابیرها نیز بوعده عمل کرده به کمک آمده‏ بودند،بدین جهت پادشاه از امپراتور تقاضا کرده بود که پول وعده داده شده را بفرستد.

سابیرها با گرفتن پولهایی که از دو طرف می‏ستاندند،هم به ایرانیان‏ و هم به رومیان یاری میکردند.در سال 556 سردار ایرانی برای جنگ با رومیان و اقوام متحد او،شانزده هزار جنگاور را به سپاهیان خود افزوده‏ برای مقابله با ژوستینیانوس و مارتینوس اعزام داشت.در میان رومیان 2000 نفر نیز قوای کمکی غیر رومی بود که در میان آنان سابیرها نیز بوده‏اند،که‏ فرماندهای این دسته از سابیرها بالماچ،کوتیلسیس و ایلیگر بوده‏اند. اینان در دشتی که در جوار آرکئوپولیس قرار داشت گروهی را مستقر کردند.

سردار ایرانی 3000 سرباز برگزیده‏ی خود را برای مقابله با سابیرها فرستاد.این سربازان چون راه را نمیشناختند،یک راهنما پیدا کردند تا محل سابیرها را به آنان نشان دهد.با این‏که این شخص برای‏ مدتی این وظیفه را انجام داد،ولی پس از مدتی از فرصت استفاده کرده نزد سابیرها گریخت و به سابیرها نزدیک شدن ایرانیان را خبر داد.بدینجهت‏ سابیرها اشیایی را که بکار نمی‏آمد و چادرهای پوستین خود را بجا گذاشته‏ در اطراف اردوگاه متروک کمین کردند.بمحض این‏که ایرانیان به اردوگاه‏ خالی از سرباز هجوم‏آوردند،سابیرها نیز به طرف آنان تاخته عده‏ی زیادی از ایشان را بقتل رساندند.

در سال 558 م،آوارها بر سابیرها حمله کرده و اینان را آنچنان مغلوب‏ کردند که بعد ازین تاریخ حکومت سابیرها روبه انقراض نهاد.